

## پیامدهای روانی دروغ از دیدگاه روانشناسان اسلامی

### زهر ا بختیاری

#### چکیده:

«دروغ» یکی از بیماریهای مهم زبان و از زشت‌ترین رذایل اخلاقی است که پیامدهای روانی برای فرد و جامعه در پی دارد. اهمیت و ضرورت پژوهش در باره این موضوع، با توجه به پیامدهای شوم این رذیله در عصر کنونی آشکار می‌گردد، چه بسا فردی برای رسیدن به منافعی دچار این رذیله می‌شود. بر پایه رهنمودهای دین اسلام، پیامدهای روانی دروغ از دیدگاه روانشناسان اسلامی در عناوین زیر خلاصه می‌شود: ایجاد روحیه اضطراب و افسردگی مزمن، احساس گناه و کاهش عزت نفس. روش پژوهش در این مقاله، ترکیبی از عقلی برهانی (تحلیل ادله عقلانی) و نقلی و حیانی (تحلیل دلالتی متنی و فرامتنی آیات و روایات) در برابر نقلی تاریخی است و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از نرم افزارهای مرتبط بوده و داده‌پردازی مقاله، به روش تحلیل محتواست.

#### واژگان کلیدی:

دروغ، صداقت، پیامدهای روانی، پیامدهای اجتماعی، دروغگو

#### مقدمه

دروغ‌گویی، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که از دیرباز در جوامع بشری وجود داشته و همواره مورد توجه فلاسفه، روانشناسان و جامعه‌شناسان بوده است. این عمل، که می‌تواند از یک دروغ مصلحتی کوچک تا فریب‌های بزرگ و سیستماتیک متغیر باشد، نه تنها بر روابط بین فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد، بلکه پیامدهای عمیقی بر سلامت روان فرد دروغ‌گو و حتی افراد در معرض دروغ دارد. دروغ، فراتر از یک تخلف اخلاقی، می‌تواند منجر به ایجاد چرخه‌ای از استرس، اضطراب، احساس گناه، و حتی بروز اختلالات روانی جدی‌تر شود. در دنیای امروز، با گسترش ابزارهای ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و انگیزه‌های دروغ‌گویی نیز افزایش یافته است. از دروغ‌های کوچک برای حفظ آبرو یا اجتناب از تنبیه، تا فریب‌های گسترده در محیط‌های کاری و سیاسی، همه و همه می‌توانند به تدریج بر ساختار روانی فرد تأثیر گذاشته و زمینه‌ساز بروز مشکلات جدی شوند. این تحقیق با هدف بررسی دقیق و جامع اثرات روانی دروغ بر فرد دروغ‌گو، به دنبال واکاوی چگونگی تأثیر این عمل بر سلامت روان، خودپنداره، روابط بین فردی و کیفیت زندگی است. ما در این پژوهش، به بررسی ابعاد مختلف این پدیده می‌پردازیم؛ از بار شناختی و هیجانی ناشی از پنهان‌کاری و ترس از برملا شدن حقیقت، تا تأثیر آن بر کاهش عزت نفس و از بین رفتن اعتماد به نفس. امید است نتایج این تحقیق بتواند به درک عمیق‌تری از پیامدهای روانشناختی دروغ‌گویی منجر شود.

## ۱- مفهوم شناسی واژگان کلیدی

تحقیق حاضر واژگان کلیدی را در لغت و اصطلاح تبیین و تشریح می کند.

### ۱-۱- دروغ در لغت و اصطلاح

واژه «دروغ» در لغت عرب از آن به کذب تعبیر شده و در مقابل آن واژه «صدق» قرار دارد. دروغگو را کاذب می نامند. (مفردات راغب، واژه کذب ص ۷۰۴). کذب در لغت به معنای خبر دادن از چیزی بر خلاف آن چه که هست در لغت به کار می رود (فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۵، ص ۳۴۷). واژه دروغ سخن بر خلاف حقیقت است و دروغ گو کسی است که بر خلاف حقیقت، خبری می دهد. این ویژگی ناپسند از صفات سخن است و دروغ گویی از صفات سخن گو و این دو همیشه باهم یار نیستند. یعنی این که می شود سخنی دروغ باشد، ولی گوینده اش دروغ گو نباشد، چنان که ممکن است کسی دروغگو، ولی سخنش دروغ نباشد، بلکه راست و مطابق حقیقت باشد. این صفت مخصوص انسان های دو رو و منافق است که دل و زبانشان با هم یکی نیست. با این که این واژه از واژه هایی است که همگی با معنی و مفهوم آن آشنا هستیم در عین حال در میان دانشمندان در تعریف آن گفتگوهای زیادی است، بعضی دروغگویی را به معنی عدم مطابقت محتوای سخن با واقعیت ذکر کرده اند، در حالی که بعضی دیگر آن را عدم مطابقت با تشخیص و اعتقاد گوینده می دانند، و از آیه شریفه سوره منافقون برای این سخن استمداد جستند، آنجا که می فرماید: إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ؛ هنگامی که منافقان نزد تو آیند می گویند ما شهادت می دهیم که یقیناً تو رسول خدایی، خداوند می داند که تو رسول او هستی، ولی خداوند گواهی می دهد که منافقان دروغگو هستند» (منافقون / ۱) بدیهی است منافقان که شهادت به رسالت پیامبر اکرم (ص) می دادند سخنی مطابق واقع می گفتند، ولی چون مطابق اعتقاد آنها نبود به عنوان دروغگو معرفی شدند ولی در پاسخ این سخن می توان گفت که نسبت دروغ به منافقان از اینجا سرچشمه می گیرد که آنها شهادت به رسالت پیامبر (ص) را به صورتی ابراز می داشتند که مفهومش این بود که مطابق اعتقاد درونی ما است، و چون این سخن با واقعیت مطابق نبود نسبت دروغ به آنها داده شده است، یعنی آنها در این اظهار که این سخن موافق اعتقاد درونی آنها است دروغگو بودند، بنابراین صدق و کذب در هر حال بر اساس تطابق با واقعیت ها مشخص می شود. البته هر گونه عدم تطابق با واقعیت دروغ نیست، بلکه مهم این است که شخص برای فریب دادن دیگران، سخنی بگوید و یا عملی انجام دهد که مطابق واقع نیست. زیرا ممکن است شخصی از روی اشتباه یک سخن خلاف واقع را بیان کند. بنابراین می توان دروغ را اینگونه معنا کرد: «فریب دیگران به وسیله چیزی که در نظر متکلم واقعیت ندارد.» «امیرمؤمنان علی (ع) که همه چیز را از زاویه عبودیت پروردگار می بیند در تعریف صدق و کذب، سخن دیگری دارد می فرماید: «الصدق مطابقه المنطق للوضع الالهی و الکذب زوال المنطق عن الوضع الالهی؛ صدق همان مطابقت سخن با وضع

الهی است، و کذب ناهم‌آهنگی سخن با وضع الهی است» (غرر فارسی، حدیث ۱۵۵۲ و ۱۵۵۳، جلد اول، صفحه ۴۰۰) منظور از وضع الهی ظاهراً همان وضع جهان آفرینش است، که به اراده و فرمان خدا به وجود آمده است، بنابراین تعریف امیرمؤمنان علی (ع) نیز همان تعریفی است که در بالا آمد با این اضافه که شکل توحیدی آن محفوظ شده است. البته صدق و کذب همان گونه که بر زبان جاری می شود، در عمل انسان نیز خود را نشان می دهد، کسانی که عملی بر خلاف ظاهر حالشان می کنند دروغگو هستند و آنها که ظاهر و باطن و اعمالشان هماهنگ است صادقند.

## ۱-۲- صداقت در لغت و اصطلاح

صداقت و راستگویی به معنای سخن راست، قول حق، فعل و عمل حق است. دروغگویی به معنای سخن ناراست، قول ناحق، خلاف حقیقت، مقابل راست و مقابل صدق در لغت به کار می رود (دهخدا، لغت نامه ماده ص د ق). واژه «صداقت» از «صدق» در اصل به این معنا است که گفتار و یا خبری که داده می شود، مطابق خارج باشد. (راغب، مفردات ماده ص د ق). صداقت و راستی از خصوصیات عالی اخلاق انسانی است که در آموزه های اسلامی از زمینه های اساسی ارجمندی و نیک بختی انسان شناخته شده است. پیشوای صادقان و مولای متقیان، صداقت را ارجمندترین و والاترین صفت، معرفی می نماید. (تمیمی آمدی غررالحکم ج ۲، ص ۳۷۱) و از راستگویی به عنوان اساس هر نوع اصلاح فردی و اجتماعی نام برده است: «الْصِّدْقُ صَلاحٌ كُلُّ شَيْءٍ رَاسِطٌ مَایه صلاح هر چیزی است». (همان، ج ۱، ص ۲۸۱). صداقت و راستگویی در اصل مطابقت خبر با واقع است. کسی که خبرش مطابق با واقع و خارج باشد، «صادق» و «راست‌گو» می گویند. اما از آن جا که به طور استعاره و مجاز، اعتقاد، عزم و اراده را هم قول نامیده اند، در نتیجه صدق را در آنها نیز استعمال کرده، انسانی را هم که عملش مطابق با اعتقادش باشد و یا کاری که می کند با اراده و تصمیمش مطابق باشد، صادق و راست‌گو نامیده اند (طباطبائی، المیزان، ج ۴۰۲/۹).

بعضی صدق و راست‌گویی را به معنای مطابقت محتوای سخن با واقعیت ذکر کرده اند، در حالی که بعضی دیگر آن را مطابقت با تشخیص و اعتقاد گوینده می دانند و به آیه ای از قرآن استناد می کنند که می فرماید: «هنگامی که منافقان نزد تو می آیند می گویند ما شهادت می دهیم که تو رسول خدایی. خداوند می داند که تو رسول او هستی ولی گواهی می دهد که منافقان دروغ گو هستند». «شهادت منافقان به رسالت پیامبر اسلام (ص) سخنی مطابق با واقع بود اما چون اعتقاد آنها نبود، دروغ گو معرفی شدند. امام علی (ع) در تعریف صدق و کذب می فرماید: «الصدق مطابقة المنطق للوضع الالهي و الكذب زوال المنطق عن الوضع الالهي؛ صدق، همان مطابقت سخن با وضع الهی و دروغ، ناهم‌آهنگی سخن با وضع الهی است». منظور از وضع الهی ظاهراً همان وضع جهان آفرینش است که به اراده خدا به وجود آمده است؛ یعنی صدق و کذب بر اساس تطابق با واقعیت مشخص می شود. منظور از «صدق» در منطق، مطابقت خبر با واقع است؛ اما در اخلاق، به مطابقت خبر با اعتقاد خبررسان گفته می شود؟

### ۱-۳- پیامد در لغت و اصطلاح

واژه پیامد از پی (اسم) + آمد (بن ماضی) ترکیب شده است. معانی پی در فرهنگ فارسی عبارت‌اند از: «ریشه و اساس» و «رد پا، اثر، نشان، اثر پای، دنبال، دنباله، پشت، دنبال او، بر اثر او؛ و «پی کاری گرفتن؛ یعنی: آن را دنبال کردن؛ (علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۱۲، ص ۵۹۶، ۵۹۸). گفته می‌شود: «پی کسی را گرفتن: به دنبال او رفتن، او را دنبال کردن؛ (حسن انوری، همان، ج ۲، ص ۱۴۶۸) با توجه به معنای پی + آمد واژه ترکیبی پیامد؛ یعنی به دنبال چیزی آمدن. امری که به دنبال چیز دیگری به وجود می‌آید و در اینجا منظور از «پیامدهای روانی دروغ» اموری هستند که دروغ آنها را به دنبال دارد. در نوشتار پیش رو، یکی از واژگان کلیدی واژه پیامد است و در سؤال اصلی تحت عنوان پیامدهای روانی و اجتماعی دروغ کدامند؟ بیان شده است. نگارنده با کار بست این واژه در صدد تبیین و تحلیل پیامدهای شوم روانی و اجتماعی دروغ و برآمدهای منفی آن است.

### ۱-۴- روان در لغت و اصطلاح

روان (به انگلیسی: psyche) است. روان درهم‌آمیختگی منش انسان است که بیشتر در روان‌شناسی بررسی می‌شود و در پی برخورد رفتارها و احساسات نمود می‌یابد و رخداد آن ناپیداست، ولی روح چیزی فرامادی است و در پیدایش خود وابسته به چیز دیگری نیست و تنها درباره نهاد فرامادی مردمان نیست؛ که برای توصیف دیگر چیزهای فرامادی نیز کاربرد دارد و زمینه‌ای دینی است. مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و گفت: در پنهان به گناهی چهارگانه مبتلا هستم، زنا، شرابخواری، سرقت و دروغ. هر کدام را تو بگویی به خاطر ترک می‌کنم! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دروغ را ترک کن! مرد رفت و هنگامی که قصد زنا کرد با خود گفت اگر پیامبر صلی الله علیه و آله از گناه من پرسید، باید انکار کنم و این نقض عهد من است (یعنی دروغ گفته‌ام) و اگر اقرار به گناه کنم، حدّ بر من جاری می‌شود. دوباره نیت دزدی کرد و همین اندیشه را نمود و درباره کارهای دیگر نیز به همین نتیجه رسید. به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله! تو همه راه‌های گناه را بر من بستی، من همه را ترک نمودم (۵).

### ۲- پیامدهای فردی دروغ از نظر روانشناسی اسلامی

دروغ‌گویی علاوه بر تأثیرات منفی‌ای که بر رابطه شخص با خداوند و سایر افراد جامعه دارد، تأثیرات منفی‌ای بر روح و روان انسان دروغ‌گو باقی می‌گذارد که به بیان آنها می‌پردازیم:

## ۲-۱- خشم و نفرت الاهی

گاهی سخنی را که انسان به زبان می آورد راست و مطابق با واقع است، اما عمل و رفتار او برخلاف آن است؛ یعنی عملی که از او صادر می شود، غیر از سخنی است که به زبان می آورد. چنین شخصی از صدق در کردار برخوردار نیست. قرآن کریم کسانی را که میان رفتار و گفتار آن ها هماهنگی نیست، سخت نکوهش کرده و این کار آنان را موجب خشم و نفرت الاهی شمرده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ**؛ صف/۲ و ۳. ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید. نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل

نکنید. با گفتن دروغ، فقط کلماتی گفته نمی شود؛ بلکه اتفاقی در درون و بیرون می افتد که مانند یک زلزله خاموش عمل می کند.

## ۲-۲- ایجاد روحیه فراموشی و ضعف حافظه

دروغ حافظه انسان را نسبت به مطالبی که باید بخاطر داشته باشد زایل می کند. قال الصادق علیه السلام: «انَّ مِمَّا اعانَ اللَّهُ بِهِ عَلَى الْكَذَّابِينَ النَّسْيَانُ» (وسایل الشیعه ج ۸ / ۵۷۳). از چیزهایی که به وسیله آن خداوند به دروغگویان کمک نموده، فراموشی است. این پیامد شوم برای دروغ چنان قوی است که گاهی دروغگو نسبت به آنچه که گفته، فراموش کار می شود و عملی از او سر میزند که خلاف گفته اش را اثبات می کند. برادران یوسف، چون یوسف را در چاه انداختند، پیراهن وی را به خون گوسفندی آغشته کردند و گفتند: گرگ او را دریده است. در حالیکه متوجه نبودند که وقتی گرگ بچه را بدرد، می بایست پیراهن پاره شود و جز اندکی از آن چیزی باقی نماند، چراکه گرگی یافت نمی شود که لباسی از تن کودکی درآورد و آنگاه وی را بلعد، مگر گرگان انسی. رسوایی و بی آبروی فرد یکی از بدترین پیامدهای فردی - روانی دروغ، رسوائی و بی آبرویی فرد است. رسوایی همیشه در انتظار دروغگو خواهد بود؛ زیرا دروغ پنهان نخواهد ماند و روزی بر ملا می شود. قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «انَّ الْكَذِبَ يَسُودُ الْوَجْهَ؛ الترغیب، ج ۳/ ۵۹۶ دروغگوئی روی را سیاه می گرداند. علامه طباطبائی رحمه الله در مورد این اثر از دروغ، برهانی عقلی اقامه می فرماید که خلاصه آن با اضافه توضیحات ما، چنین است: نظام هستی، کاملاً به هم مرتبط و چون رشته ای زنجیر و چرخه ای گردان می باشد که دائماً در حال تغییر و تحول است، به طوری که اگر یک حلقه بگسلد تمام نظم این سازمان به هم می ریزد و اثر گسستگی در سایر حلقه ها آشکار می شود. هر حلقه ای آثار و پیامدهائی دارد، وقتی باشد اثرات وی پی درپی خواهند آمد، ولی اگر حذف شود، نوعی دوگانگی را در پی خواهد داشت، زیرا از سوئی برای تکمیل چرخه حیات، آثار و تبعات آن حلقه لازم است و از طرف دیگر نبود حلقه، نبود اثر را می طلبد. لذا اگر انسان چیزی را کتمان کند و دروغ بگوید چون توان حفظ تمام ملزومات آن را ندارد، در طول مسیر، ناگزیر آثاری برای تکمیل رشته بروز می دهد که از حقیقت حلقه مفقوده خبر می دهد و این باعث رسوائی دروغگو می شود (المیزان، ج ۱۱ ص ۱۰۳).

### ۳-۴- ایجاد روحیه بدبینی و سوء ظن

دروغگو مورد سوء ظن و بدبینی مردم است و گاهی کار او از این هم بالاتر می‌رود و بر اثر دروغ مورد تنفر قرار خواهد گرفت زیان روانی دیگری که ممکن است بر اثر دروغ، نصیب دروغ گو بشود، سوء ظن به مردم است. این بیماری روانی بر اثر دو چیز در دروغ گو، مسکن می‌گزینند: یکی آن که چون خودش بر خلاف حقیقت سخن می‌گوید، درباره دگران هم، همین نظر را پیدا می‌کند (کافر همه را به کیش خود پندارد). دگران را مانند خود دیدن تا حدی طبیعی بشر است، هر چند این فکر غلط است ولی تا حدی طبیعی است. کسی که به راست گویی عادت کرده باشد، در نخستین بار با هر کس رو به رو شود، سخن او را راست می‌پندارد. دومین عاملی که ممکن است موجب سوء ظن دروغ گو به دیگران گردد، عکس العمل است. او وقتی می‌بیند، دگران نسبت به او، خوش بین نیستند و سلب اعتماد کرده اند، در او هم چنین حالتی پیدا می‌شود تا به آنان بدبین شود و از آن ها سلب اعتماد کند. تعصب و خود خواهی نیز موجب می‌شود که در برابر این دشنام روانی مردم، او هم به آن ها نیز همان دشنام روانی را بدهد و به آن ها با دیده سوء ظن بنگرد. احمد بن طولون، یکی از امرای نامور مصر است. گویند روزی پدرش به او گفت که چیزی را از اتاق دیگر بیاورد. احمد به اتاق دیگر رفت تا امر پدر را اطاعت کند، در آن جا یکی از کنیزکان پدر را دید که خود را تسلیم مردی کرده است. احمد چیزی نگفت و آن چه می‌خواست برداشت و نزد پدر شد. کنیزک به احمد بد گمان شد و ترسید که مبادا آن چه دیده به پدر گزارش دهد. کنیزک پیش دستی کرده و به طولون خبر داد که احمد به من دست درازی کرده است! طولون، فوراً سخن کنیزک را پذیرفت و به یکی از افرادش نامه ای نوشت که به محض رسیدن نامه، آورنده اش را گردن بزن! سپس نامه را به احمد داد و گفت: این را ببر نزد فلان. احمد نامه را گرفت، در صورتی که از محتوای آن خبری نداشت و به سوی مقصد روان گردید. در راه با کنیزک رو به رو شد و نامه را بر حسب در خواست کنیزک بدو داد تا به صاحبش برساند. کنیزک نیز نامه را به مردی که خود را تسلیم او کرده بود بداد تا به مقصد برساند. مقصود کنیزک از این کار، این بود که طولون را بیش تر بر فرزند خشمگین سازد. سر برنده نامه از تن جدا گردید و نزد طولون فرستاده شد. طولون احمد را بخواست و گفت: حقیقت را بگوی. احمد آن چه را دیده بود به راستی گزارش داد. طولون کنیزک را نیز بکشت. دروغ و خیانت و بد گمانی، به زیان دروغ گو و خیانتکار و بد گمان تمام شد.

### ۳-۵- بی اعتباری

زندگی در اجتماع بر اساس نوعی اعتماد نسبی دو جانبه استوار است. دروغ به این اعتماد لطمه می‌زند و موجب اختلال در روابط بین افراد شده و بدبینی را گسترش می‌دهد. همچنین با فاش شدن دروغ شخص مبتلا آبروی او می‌ریزد و ارزش و اعتبارش از دست می‌رود. لازم به ذکر است رذیله کذب از اموری است که عقل و نقل متفق بر قبح آن هستند و آن فی نفسه از کبائر و فواحش است. گاه به واسطه کشف دروغ، انسان از درجه اعتبارپیش

مردم ساقط می شود به طوری که تا آخر عمر نتواند آن را جبران کند. شاید هیچ چیز به اندازه دروغگویی به حیثیت انسان لطمه نزنند علی (ع) می فرماید: «هرکس زیاد دروغ بگوید، ارزش و اعتبارش بر باد می رود.»

حضرت امیر علیه السلام نیز می فرمایند: «بر تو باد به صداقت؛ چرا که هر کس در گفتارش صداقت داشته باشد، قدر و منزلتش بالا خواهد رفت (آمدی، غرر الحکم، ص ۲۱۹) عنه صلی الله علیه و آله : أَقْلُ النَّاسِ مَرُوءَةً مَنْ كَانَ كَاذِبًا؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کم مروّت ترین مردم، کسی است که دروغگو باشد. تجربیات نشان می دهد که دروغ بودن یک سخن را برای مدت طولانی نمی توان پنهان داشت. اگر مسئله بی اهمیتی باشد ممکن است فراموش شود، ولی اگر مسئله مهمی باشد سرانجام واقعیت ها خود را نشان می دهد و راز دروغگو فاش می شود، به خاطر این که دروغ چیزی نیست که آن را بتوان به حافظه سپرد زیرا یک حادثه که واقع می شود ارتباط زیادی به حوادث اطراف خود دارد و پیوندهای علت و معلول با حوادث قبل و بعد و لوازم غیر قابل اجتناب، آن حادثه را با دیگر حوادث مربوط می سازد. کسی که حادثه ای را به دروغ می سازد مجبور است روابط ساختگی آن را با زمان و مکان و اشخاص و حوادث اطراف آن نیز بسازد و از آنجا که این روابط حد و حسابی ندارد به فرض که چند مورد آن را درست کند و به خاطر بسپارد در بقیه وا می ماند. مانند همسر عزیز مصر، هنگامی که به دروغ ادعا کرد یوسف (ع) به دنبال او دویده و قصد تجاوز به او را داشته است، فراموش کرده بود که در این ماجرا، پیراهن یوسف (ع) از عقب سر پاره شده که دلیل روشنی است بر دروغ زلیخا و اینکه او به دنبال یوسف (ع) دویده است. امام صادق (ع) می فرمایند: «لا تکذب فیذهب بهاؤک؛ دروغ مگو که شکوهت از بین می رود».

انسان دروغگو وقتی در جامعه رسوا شود خوار و ذلیل می گردد در مقابل شخص راستگو نزد افراد جامعه احترام خاصی خواهد داشت و دیگران با دید احترام به او می نگرند چنان که حضرت علی علیه السلام فرمود (راستگو محترم و ارجمند است و دروغگو خوار و ذلیل است).

### ۳-۶- آسیب زدن به روابط اجتماعی

اعتماد، یکی از پایه های قوی روابط انسانی است. چنانکه علی (ع) می فرماید (الْكَذَابُ وَالْمَيْتُ سَوَاءٌ ، فَإِنَّ فَضِيلَةَ الْحَيِّ عَلَى الْمَيْتِ الثَّقَةُ بِهِ ، فَإِذَا لَمْ يُوثَقْ بِكَلَامِهِ بَطَلَتْ حَيَاتُهُ ) شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم . تهران ج ۲، ص ۶۴ ) دروغگو و مرده یکسان اند زیرا که مزیت زنده بر مرده اعتماد بر زنده است پس هرگاه اعتماد بر سخن او نباشد زندگی وی باطل شده است دروغگویی باعث کاهش یا تخریب اعتماد میان افراد می شوند بنابراین شخصی که زیاد دروغ میگوید اعتماد و اعتبارش را در میان مردم از دست می دهد و دیگران از تعامل و همکاری با او دست می کشند از این رو گرچه در میان مردم زندگی میکندولی تنها و بی یار و یاور است

### ۳-۷- بی ارزشی سخن

از زیانهای اجتماعی دروغ بی ارزش شدن سخنان دروغگو نزد مردم است اگر بنا شد برای هر وجودی میزانی برای قیمت آن باشد یکی از میزانهایی که برای قیمت انسان می توان در نظر گرفت ارزشی است که مردم برای سخنش قائل هستند هرچه مقدار ارزش سخن بیشتر باشد قیمت گوینده آن بیشتر خواهد بود و هر چه مقدار ارزش سخنش کمتر باشد گوینده بی بهاتر خواهد بود. دروغگو اگر بالا ترین ارزشها را برای سخنش بدست آورده باشد همین که به دروغگویی پرداخت و مردم بدان صفتش شناختند ارزش سخنش نابود می شود و با جانوران در یک ردیف قرار خواهد گرفت امام جعفر صادق (ع) از حضرت عیسی (ع) نقل میکند که عیسی (ع) فرمود: (کسی که دروغش بسیار شود نورش از بین می رود) شاید مقصود از نور همان ارزشی است که سخنش نزد مردم دارد.

### ۳-۸- استهزا

دیگر از زیان های اجتماعی دروغ، سخریه و استهزا است که نصیب دروغ گومی شود. دروغگو، همان که به دروغ گویی شهره شد، مورد استهزای مردم قرار می گیرد، خواه در حضور و خواه در غیاب، و پرسش های استهزایی از او می شود و می گویند: اگر حقیقت مطلب را بخواهید، از او بپرسید. لغاتی جعل می کنند و معانی آن را از دروغ گو می پرسند. نام کتابی را جعل می کنند و خصوصیات کتاب و مؤلف را از او می پرسند. دانشمندانی جعل می کنند و شرح حالشان را از او می خواهند. دروغ گوی جعل در موقع سخن با خنده های تمسخرآمیز رو به رو می شود و اگر این چیزها را بفهمد، بایستی از شرم به زیر زمین برود

### جمع بندی و نتیجه گیری

تحقیق حاضر با تمرکز بر اثرات روانی دروغ، به وضوح نشان داد که این پدیده فراتر از یک تخلف اخلاقی ساده، دارای پیامدهای عمیق و گسترده ای بر سلامت روان افراد است. یافته های این پژوهش تأکید می کند که دروغ گویی، چه به صورت موردی و چه به شکل مزمن، می تواند چرخه ای از استرس مزمن، اضطراب فزاینده، و احساس گناه دائمی را در فرد ایجاد کند. پنهان کاری مداوم و ترس از برملا شدن حقیقت، بار شناختی و هیجانی سنگینی را به همراه دارد که به تدریج منجر به فرسودگی روانی و کاهش کیفیت زندگی می شود. علاوه بر این، دروغ گویی به شدت بر خودپنداره و عزت نفس فرد تأثیر منفی می گذارد. کاهش اعتماد به نفس، احساس نالایق بودن و از دست دادن انسجام درونی، از جمله تبعات روانشناختی هستند که می تواند فرد را به سمت انزوای اجتماعی و حتی افسردگی سوق دهد. این تحقیق همچنین به تأثیر مخرب دروغ بر روابط بین فردی اشاره می کند؛ از بین رفتن اعتماد، پایه و اساس هر رابطه ای را متزلزل کرده و می تواند به قطع ارتباطات معنادار و ایجاد احساس تنهایی منجر شود. در نهایت، این پژوهش اهمیت آموزش و آگاهی بخشی در مورد پیامدهای روانشناختی دروغ گویی را برجسته می سازد. با درک عمیق تر این اثرات، می توان گام های مؤثرتری در جهت ترویج صداقت، تقویت سلامت روان و ایجاد جامعه ای با روابط شفاف تر و اعتمادمحور برداشت.

## فهرست منابع

- اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان، سوریه: الدار الشامیة، الطبعة الاولى ۱۴۱۲ هـ.ق.
- اطهری، زینب السادات، دهقان کاشانی، لیلا، و سربندی ونی، دانیال. (۱۳۹۵). آسیب شناسی دروغ از دیدگاه مکتب اسلام. کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- بیستونی، صفورا، کتاب ملکه گمشده و شیطانی همراه، نشر بیان جوان، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ش.
- حیدری، عزیزالله، کتاب دروغ قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۹ ش.
- خزاعی فر، فاطمه، ۱۴۰۰، آسیب های اجتماعی ناشی از دروغ، نخستین کنفرانس ملی آسیب های اجتماعی و روانی با تاکید بر علوم رفتاری، شیراز، <https://civilica.com/doc/1412397>
- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غرالحکم ودررالکلم، مقدمه و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی، (چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳)
- عالمی، محمد انور، آثار و پیامد دروغ در خانواده، بهار و تابستان ۱۴۰۲.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ.ق. (تکرار)
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۳۴۱.
- مختاری، علی، دروغ رذیله بزرگ اخلاقی، پیامدهای دروغ. نشریه مبلغان، شماره ۱۶۰، آذر - دی ۱۳۹۱.
- ملازاده، ریحانه، ۱۴۰۱، دروغ علت، پیامد و درمان طبق متون اسلامی و روانشناسی، دهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، <https://civilica.com/doc/1558674>
- معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، کتاب کلید بدیها، ناشر: اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱ ش.
- نام کتاب : نشریه معرفت (موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)) ، جلد : ۹۲ ، صفحه : ۵

- یونسی المشیری، همت، ۱۴۰۱، بررسی آسیب های اجتماعی دروغ از منظر اخلاق اسلامی، ششمین کنفرانس بین المللی مطالعات جهانی در علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره، تهران، <https://civilica.com/doc/1630409>
- محمدنژادی، بهجت، دروغ‌گویی، عزت نفس و سلامت روان ساخته شده توسط سایت روان داد؛
- روحانی ، محمدصادق، کتاب بررسی فقهی غیبت و دروغ به انضمام بررسی دشنام به مؤمن، کلبه شروق، ۱۳۹۳، تهران.